



خودشیفتگی بزرگترین خطر برای انسان است/ اعتدال؛ مبنای علم اخلاق

چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت گفت: خودشیفتگی بزرگترین خطر است، جز خودش را نمی بیند، خود را در مقابل دیگران ناچیز دانستن هم بد است، به زمین و زمان فخر فروختن هم بد است.

چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت گفت: خودشیفتگی بزرگترین خطر است، جز خودش را نمی بیند، خود را در مقابل دیگران ناچیز دانستن هم بد است، به زمین و زمان فخر فروختن هم بد است.

به گزارش خبرنگار مهر، عصر دیروز جمعه ۱۹ خردادماه غلامحسین ابراهیمی دینانی چهره ماندگار فلسفه و عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما به روی آنتن رفته بود، در تشریح یکی از اشعار پروین اعتصامی اظهار کرد: پروین اعتصامی خیلی فاصله زمانی با عصر ما نداشته است. خیلی قدیمی نیست ولی به این زیبایی شعر سرودن، سنجیده سخن گفتن و مسائل حکمی را در قالب نظم درآوردن کار هر کسی نیست.

وی افزود: بشر تکنولوژیک و تکنیک زده امروز دارد بر طبیعت تصرف می کند. نه تنها در کل طبیعت، بلکه در بدن انسان هم دارد تغییر ایجاد می کند. هر گونه تغییری که در جهان طبیعت و در نظام اصلح آفرینش بشر انجام دهد و جابه جا کند یک خیانت و یک زیان است و طبیعت تا یک مدتی حوصله می کند، اما یک روزی اگر طبیعت از دست ما عصبانی شد، چنان لگدی بر دهان انسان می زند که تمام دندانهایش خرد می شود. لگد طبیعت سخت است. ما باید با طبیعت رفیق باشیم. باید با طبیعت صلح کرد. طبیعت با غذاهایی که از خود به ما می دهد مادر ماست.

دینانی تصریح کرد: ما در طبیعت پرورده می شویم و شکی نیست که طبیعت مادر ماست، اما فرزندان دیگر طبیعت از قبیل باد، آب، کوه به طبیعت خیانت نمی کنند. تنها چیزی که فرزند است و در دامن طبیعت رشد کرده است اما یک جایی به طبیعت خیانت می کند، انسان است. انسان به عنوان فرزند طبیعت که در دامن طبیعت رشد کرده یک ضربه می خواهد به طبیعت وارد کند و می کند، طبیعت هم حوصله می کند ولی یک روز ضربه اش را می زند.

چهره ماندگار فلسفه با اشاره به یکی از آیات قرآن کریم گفت: من وقتی حجاب می شود فرعون می شود، فرعون حماقتش این بود که می گفت من خدا هستم، دچار یک منیت وحشتناک شده بود. انسان وقتی که گرفتار منیت شد و دیگر نتوانست از من بیرون برود، گشودگی اش به روی جهان بسته می شود، چرا فرو بسته می شود چون جز خودش چیزی را نمی بیند. وقتی من جز خودش چیزی را ندید دیگر بسته است. من اگر به روی خود بسته نباشد و گشوده باشد، به روی عالم من خوبی است و اصل هویت و شخصیت انسان است. اگر آن من به روی غیر گشوده باشد اصل است، اما اگر فرو بسته شد و آن دری که به روی غیر باز است به روی خود بست و فقط در خود فرو رفت و چیزی غیر از خود ندید، آن جاست که کور و کر و تاریک و ظلمانی است و یک فرعون است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران در ادامه سخنان خود گفت: یک شخص احمق اگر بداند که احمق است و بگوید که احمق است، دیگر احمق نیست، یعنی به خود آگاهی دارد، آن من هم همین طور است، اگر باز باشد به روی غیر، لاینتاهی به پیش می رود، اما اگر فرو بسته شد و از خود بیرون نیامد، کر و کور و تاریک و ظلمانی است و آن همان من فرعون است که منشاء فساد است.

دینانی افزود: انسان در زمره حیوانات است، به انسان می گویند حیوان ناطق. انسان حیوان است اما ناطق است. حیوانات حیوان هستند اما ناطق نیستند. انسان امتیازش به این است که حیوان ناطق است، یعنی سخن می گوید و می اندیشد. سخن گفتنی که بر اساس اندیشیدن می باشد. اندیشیدن فصل انسان است. انسان ناطق اندیشمند از سایر حیوانات خیلی بالاتر است و کاملترین موجود در این عالم است. تمام حیوانات زود به بلوغ می رسند، انسان تنها موجودی است که دوران بلوغش طولانی است. چه حیوانی از پرندگان، درندگان و غیر درندگان مدت بلوغش ۱۵ سال طول می کشد؟ دلیل طولانی بودن بلوغ انسان نسبت به حیوانات این است که انسان خیلی بزرگ و پیچیده است و انسان شدن سخت است. انسان شدن و به مقام ادراک عقلانی رسیدن خیلی احترام دارد.

این استاد دانشگاه ادامه داد: حالا ما چقدر می خواهیم از این عقل استفاده کنیم. باید بر اساس موازین عقل حرکت کنیم، هر چه می توانی در عالم عقل به پیش برو و هر چه بر معلومات عقلانی بیفزایی گسترده تر هستی. انسان گسترده تر است یا عالم، عالم محدود است اما انسان می تواند از وجود عبور کند و آن طرف وجود را ببیند. انسان به

وجود می اندیشد، به عدم هم می اندیشد، به موجود می اندیشد، به معدوم هم می اندیشد، حالا انسان گسترده تر است یا موجود؟

وی تاکید کرد: خودشیفتگی بزرگترین خطر است، جز خودش را نمی بیند، خود را در مقابل دیگران ناچیز دانستن هم بد است، به زمین و زمان فخر فروختن هم بد است، پس چه کار باید کرد؟ خودت را بشناس، اعتدال، نه افراط و نه تفریط. مبنای علم اخلاق اعتدال است، اگر اعتدال را بگیریم اخلاق وجود ندارد.

دینانی ادامه داد: انسان سه حالت دارد، یک حالت اعتدال که حالت انسانی است، یک حالت افراط و یک حالت تفریط، افراط و تفریط هر دو گمراه کننده هستند، حد وسط اعتدال است. نه اینقدر ژست بگیر که به زمین و زمان فخر بفروشی و نه اینقدر خودت را کوچک بشماری که بگویی من هیچ چیزی نیستم، اگر کمالی داری بشناس اما این را به رخ دیگران نکش و به دیگران فخر نفروش، همانی که هستی باش.

وی در پایان خاطرنشان کرد: مشکل بشر یک کلمه است که انسان یک چیز است که هست و یک چیز است که می خواهد باشد، انسان می گوید منم، خودش را نشان می دهد اما دلش می خواهد آن چیزی باشد که نیست، بین آن چیزی که هست و بین آن چیزی که دوست دارد باشد گیر می کند. هر چقدر که می توانی برو بالا، اما بودندت را به آنچه که می خواهی باشی قاطی نکن. بفهم که چه هستی، آرزوی شدن هم داشته باش و برو زحمت بکش تا به آن برسی، اما نه اینکه زحمت نکشیده آن چیزی که هستی را قبول نکنی و آن چیزی که در آینده می خواهی باشی را جای اکنونت بگذاری، این قاطی کردن آنچه که می خواهی باشی و آنچه که هستی است که بحران هویت ایجاد می کند و به دیگران هم آزار می رساند.